Journal of Fiqh and Usul

HomePage: https://jfiqh.um.ac.ir/ Vol. 55, No. 4: Issue 135, Winter 2024, p.265-293

Online ISSN: 2538-3892 Print ISSN: 2008-9139

Receive Date: 14-09-2021 Revise Date: 09-10-2021 Accept Date: 05-03-2022

DOI: https://doi.org/10.22067/jfiqh.2022.72432.1187 Article type: Original

Voidable *(Safahī)* Transactions in the Cryptocurrency Market with an Emphasis on Imam Khomeini's Viewpoints

Dr. Ahmad Ali Yosefi , Associate Professor, Imam Khomeini and Islamic Revolution Research Institute, Tehran, Iran
Ahmad Mohamadi,(Corresponding Author) PhD Candidate, Imam Khomeini and Islamic Revolution Research Institute, Tehran, Iran
Email: mohammadi.ahmad199112@gmail.com
Dr. Zahra Vatani, Assistant Professor, Imam Khomeini and Islamic Revolution Research Institute, Tehran, Iran
Dr. Hamed Haji Ali Mirzaei, Assistant Professor, Supreme National Defense University, Tehran, Iran

Abstract

The ongoing transactions in the society and the potential losses that may affect the parties involved in transactions has inspired jurisonsults to extract some criteria for regulating transactions to prevent financial loss. The absence of each of these criteria leads to the voidability and nullification of transaction. The criteria include: The power over surrender, value of the price and the priced item, rational benefits for both parties, ownership of transaction subject, clarity and specificity of the price and the priced item, and irrational prices, which are considered common phenomena in today's market. The cryptocurrency market, which has emerged with relatively specific features, has characteristics that can reinforce the suspicion of voidability on their own. Therefore, aligning the mentioned criteria in juriconsulting books with the cryptocurrency market and analyzing their specific features revels that the criteria for the voidability of transactions in the cryptocurrency market is missing and the market's specific features do not lead to their voidability. Rather, it's entering the market without a scientific background that leads to the voidability of some transactions. Therefore, in order to eliminate the grounds for the voidability of transactions in the cryptocurrency market, we should acquire knowledge on the topic.

Keywords: voidable (*Safahī)* transactions, cryptocurrency, Imam Khomeini

Journal of Fiqh and Usul

HomePage: https://jfiqh.um.ac.ir/

سال ۵۵ - شماره ۴ - شماره پیاپی ۱۳۵ - زمستان ۱۴۰۲، ص ۲۹۳ - ۲۶۵

شاپا چاپی ۹۱۳۹-۲۰۰۸ شاپا الکترونیکی ۳۸۹۲-۲۵۳۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۲۳ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۰۷/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۴

نوع مقاله: پژوهشی

DOI: https://doi.org/10.22067/jfiqh.2022.72432.1187

معاملات سفهی در بازار رمزارزها با تأکید بر آرای امام خمینی(ره)

دکتراحمدعلی یوسفی

دانشیار پژوهشکده امام خمینی(ره) و انقلاب اسلامی

احمد محمدی (نویسندۀ مسئول)

دانشجوی دکتری پژوهشکدۀ امام خمینی(ره) و انقلاب اسلامی

Email: mohammadi.ahmad199112@gmail.com

دکتر زهرا وطنی

استادیار پژوهشکدۀ امام خمینی(ره) و انقلاب اسلامی

دکتر حامد حاجی‌علی‌میرزایی

استادیار دانشگاه عالی دفاع ملی

چکیده

معاملات جاری در جامعه و ضررهای محتملی که متوجه طرف‌های معامله بود فقها را بر آن داشت تا از منابع اسلامی ملاک هایی برای نظام‌بخشی به معاملات استخراج کنند که مانع ضرر مالی شود؛ ملاک‌هایی که فقدان هریک از آن‌ها سبب سفهی‌شدن و بطلان معامله می‌شود، ازجمله: قدرت بر تسلیم، مالیت ثمن و مثمن، منفعت عقلایی عوضین، ملکیت مورد معامله، معلوم و معین‌بودن ثمن و مثمن و قیمت‌های نامعقول که امروزه پدیده‌ای محسوب است. بازار رمزارزها که با ماهیتی نسبتاً جدید ظهور یافته ویژگی‌هایی دارد که می‌تواند به‌تنهایی شبهۀ سفهی‌بودن را تقویت کند، لیکن تطبیق ملاک‌های مذکور در کتب فقهی با بازار رمزارزها و بررسی ویژگی‌های خاص آن‌ها نشان می‌دهد که ملاک سفهی‌شدن معامله در بازار رمزارزها مفقود است و ویژگی‌های خاص این بازار نیز سبب سفهی‌شدن آن‌ها نمی‌شود؛ بلکه ورود بدون پشتوانۀ علمی به این بازار است که منجر به سفهی‌شدن برخی معاملات می‌گردد؛ ازاین‌رو، برای ازبین‌بردن زمینه سفهی‌شدن معاملات در بازار رمزارزها بایستی به دانش این حوزه تسلط یافت.

واژگان کلیدی: معاملات سفهی، رمزارزها، امام خمینی(ره).

مقدمه

بازار پرتلاطم رمزارزها، این روزها در صدر اخبار اقتصادی قرار گرفته است و هجوم پول به این بازار، اذهان سیاستمدارانِ در موضعِ مخالف این پدیده را وادار به قبول آن به‌عنوان واقعیتی نوظهور کرده است. البته این هجوم گستردهٔ پول سبب رشد و حبابی‌شدن این بازار و درنتیجه، بالارفتن ریسک ورود به آن شده است. علاوه‌بر ریسک بالای ورود به این بازار، ایرانیان دچار چالش‌های دیگری از این دست برای خریدوفروش رمزارزها هستند: هک‌شدن، بسته‌شدن حساب کاربری به‌دلیل تحریم‌ها و... .

نوشتار حاضر، ضمن کاوش در معیارهای سفهی‌بودن معاملات که به‌طور پراکنده در کتب فقهی ذکر شده‌اند، به تطبیق آن‌ها با معاملات مربوط به رمزارزها می‌پردازد.

در خصوص پیشینهٔ موضوع باید گفت: باتوجه‌به اینکه ارزهای دیجیتال، بحثی نوین به شمار می‌آید، در این زمینه، مقاله و پایان‌نامه و کتاب‌های چندانی نگاشته نشده است. ازجمله کتاب‌هایی که در این موضوع وجود دارد که در آن‌ها به تاریخچه، فرایند تولید، مبادله، معرفی برخی از صرافی‌ها، چگونگی کار در این بازار و تاحدی جایگاه این ارزها در نظام پولی جهان پرداخته، عبارت است از: بیت کوین به زبان ساده، اثر هافمن؛ ارزهای دیجیتالی بیت کوین بلاک چین و مفاهیم پایه، اثر پیمان اخوان؛ جویندگان بیت کوین، اثر ماهنامه شبکه؛ همه چیز درباره بیت کوین، اثر ماهنامه شبکه.

سه مقاله نیز مرتبط با بحث حاضر وجود دارد: بررسی فقهی پول مجازی،[1] یکی از این مقالات است که در آن به برخی از چالش‌های محتملِ مطرح در مشروعیت پول مجازی پرداخته و مهم‌ترین معضلات مشروعیت پول‌های مجازی را ورود آن به عرصهٔ حقیقی دانسته است. نویسندگان مقاله به قاعدهٔ لاضرر، احترام اتلاف و مصلحت بر ممنوعیت شرعی استفاده از این ارزها مادام که دولت سیاست‌های پولی مناسبی برای آن نیندیشیده، استدلال کرده‌اند. تحلیل فقهی کارکردهای پول‌های رمزنگاری‌شدهٔ مورد مطالعهٔ بیت کوین[2] نیز مقاله‌ای دیگر در این زمینه است که ابتدا ساختار و سازوکار بیت کوین را بررسی کرده و با اتکا بر موضوع‌شناسیِ انجام‌شده، پرسش‌های متعددی در خصوص پول، معامله و استفاده از استخراج پول رمزنگاری‌شده مطرح کرده و به آن‌ها پاسخ داده است. در این مقاله، جوانب فقهیِ این موضوع به‌صورت اجمالی بررسی شده و در ادامه، نظر سیزده تن از مراجع تقلید در این زمینه را آورده

---

۱. بررسی فقهی پول مجازی، سلیمانی‌پور و همکاران، «بررسی فقهی پول مجازی»، دو فصلنامهٔ علمی‌پژوهشی تحقیقات مالی اسلامی، س٦، ش۲، بهار و تابستان۱۳۹٦.

۲. نواب‌پور و همکاران، «تحلیل فقهی کارکردهای پول‌های رمزنگاری‌شدهٔ مورد مطالعهٔ بیت کوین»، فصلنامهٔ علمی‌پژوهشی اقتصاد اسلامی، س۱۸، ش۷۲، زمستان۱۳۹۷.

است. آخرین مقاله‌ای که در زمینهٔ ارزهای دیجیتال وجود دارد، بررسی فقهیِ استخراج و مبادلهٔ رمزارزها با تمرکز بر شبکهٔ بیت کوین[۳] است. این مقاله، اشکالات طرح‌شدنی در زمینهٔ استخراج بیت کوین را مطرح و مشارکت با افراد ممنوع از تصرف را به‌عنوان تنها چالش پیش‌ِروی استخراج بررسی کرده است. این مقاله بعدها به بررسی فقهی موضوع نیز می‌پردازد و اشکالاتی همچون خروج ارز، اکل مال به باطل و قاعدهٔ لاضرر را به‌صورت اجمالی و هرکدام را در چند خط بررسی کرده است. از آنچه گفته شد به‌وضوح مشخص است که معاملات سفهی در بازار رمزارزها باتوجه‌به دیدگاه امام خمینی پژوهش نشده است؛ لذا در این جستار، به بحث از سفهی‌بودنِ معاملات رمزارزها می‌پردازیم.

۱. مفهوم‌شناسی

أ. رمزارز: رمزارزها (*Cryptocurrency*)، نوعی ارز مجازی هستند که از فناوری رمزنگاری در طراحی آن‌ها استفاده شده است. عملیات رمزنگاری با کدکردن اطلاعات از طریق الگوریتم‌های پیچیدهٔ ریاضی انجام می‌شود. رمزنگاریِ اطلاعات، به افزایش امنیت رمزارزها کمک می‌کند. رمزارزها برخلافِ ارزهای دیجیتال و مجازی، غیرمتمرکزند؛ توسط هیچ حکومت، سازمان یا ارگان خاصی کنترل نمی‌شوند و هیچ شخص یا نهادی، توان کنترل یا دست‌کاری در آن‌ها را ندارد.[٤]

ب. سفه، سفهی و سفیه: «سفه»، به‌معنای نقص در عقل،[٥] خفت،[٦] خفت حلم،[۷] خفت در بدن[۸] و حماقت[۹] به کار رفته است. «سفهی»، منسوب به یای نسبت و به‌معنای عملی است که با سفاهت اتفاق بیفتد و سفیه، به این معانی ذکر شده است: کسی که اموال خود را در اغراض نادرست به کار می‌برد یا فردی که گول می‌خورد.[۱۰]

ج. معاملات سفهی: فقهای متقدم، به‌صورت مستقل تعریفی از معاملات سفهی ارائه نکرده‌اند، بلکه در حین بسط فروعات فقهی به شاخص‌های آن اشاره کرده‌اند، به‌طوری‌که با بررسی کاربرد این واژه در کتب فقها می‌توان به ملاک‌های سفهی‌شدن معاملات پی برد. برای مثال، شهید اول معامله‌ای را دارای

۳. خردمند، «بررسی فقهیِ استخراج و مبادلهٔ رمزارزها با تمرکز بر شبکهٔ بیت کوین»، مجلهٔ معرفت اقتصاد اسلامی، س۱۰، ش۲، بهار و تابستان۱۳۹۸.
٤. اخوان آذر، ارزهای دیجیتالی بیت کوین بلاک‌چین و مفاهیم پایه، ٦۷.
٥. مقری، المصباح المنیر، ۲۸۰/۲.
٦. ابن‌منظور، لسان العرب، ٤۹۹/۱۳.
۷. ابن‌منظور، لسان العرب، ٤۹۷/۱۳؛ ابن‌اثیر، النهایة، ۳۷٦/۲؛ طریحی، مجمع البحرین، ۳٤٦/٦.
۸. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ٤۱٤.
۹. قرشی بنابی، قاموس قرآن،۲۷۷/۳.
۱۰. طریحی، مجمع البحرین، ۳٤٦/٦.

اشکال می‌داند که در آن زیادی یا نقصان ثمن نسبت به مقدار واقعی، منتهی به سفه شود.[۱۱] شهید ثانی در تشریح سخنان وی می‌نویسد: درصورتی‌که این زیاده و نقصان، کم باشد یا غرض صحیحی بر آن مترتب شود، مانند صبر به دین حال و امثال آن، سفه مرتفع می‌شود.[۱۲] این اشارات در نوشتهٔ برخی از متأخران نیز موجود است؛ برای مثال، مکارم شیرازی در کتاب «حیله‌های شرعی و چاره‌جویی‌های صحیح» می‌نویسد: برخی حیله‌ها، قصد جدی در آن وجود دارد، ولی عقلایی نیستند؛ مانند ضمیمه‌های کوچکی که به ده‌برابر قیمت واقعی فروخته می‌شود! در کجای دنیا و کدام عاقل، به چنین معامله‌ای تن می‌دهد؟! چه کسی دستمالی کوچک را به بیست یا صد هزار تومان خریداری می‌کند؟

بنابراین، چنین معامله‌ای، عاقلانه و منطقی نیست؛ بلکه سفهی است و روشن است که معاملهٔ سفهی، مشروع نیست.[۱۳] مراغی، تعریفی از معاملهٔ سفهی ارائه کرده است که به نظر می‌رسد از فحص در کاربرد صفت سفهی در ابواب مختلف حاصل شده است. وی می‌نویسد: معاملات سفهی، معاملاتی است که به شکل سفیهانه صادر شوند، هرچند طرفین سفیه نباشند؛[۱٤] یعنی معامله به‌گونه‌ای باشد که از نوع مردم و عقلا صادر نمی‌شود. پس رابطهٔ بین معاملهٔ سفیه و معاملهٔ سفهی، عموم‌وخصوص من‌وجه است.[۱۵] البته ازآنجاکه کاربرد و معنای کلمهٔ سفهی در میان فقها مشخص است، به‌همین دلیل غالباً به‌شکل مستقل به تعریف معاملات سفهی نپرداخته‌اند. این نکته را می‌توان از کاربرد واژهٔ سفهی در ابواب مختلف فقه دریافت.

از عبارات و تعلیلاتی که فقها به کار برده‌اند چنین بر می‌آید که بیشتر فقها قائل به بطلان معاملات سفهی هستند[۱٦] و اندکی، همچون خویی چنین معاملاتی را صحیح می‌دانند.[۱۷] امام خمینی که در حکم این موضوع، هم‌رأی مشهور است، در دلیل بطلان معاملات سفهی می‌نویسد: معاملات سفهی، غیرعقلایی

---

۱۱. شهید اول، اللمعه الدمشقیه، ۱۲۱.

۱۲. شهید ثانی، الروضة البهیه، ۵۲۱/۳.

۱۳. مکارم شیرازی، حیله‌های شرعی، ۱۰۷.

۱٤. این بیان در برخی مقاله‌ها نیز به چشم می‌خورد. برای مثال، جمعی از مؤلفان در مجلهٔ فقه اهل بیت به این موضوع این‌چنین اشاره می‌کنند: مقصود از عقد سفهی این نیست که دو طرف عقد یا یکی از آن‌ها سفیه باشند؛ بلکه مقصود این است که معامله به‌گونه‌ای باشد که از سفیه صادر می‌شود، هرچند دو طرف عقد سفیه نباشند (جمعی از مؤلفان، مجلهٔ فقه اهل بیت علیهم‌السلام، ۱٦۷/۱۳).

۱۵. مراغی، العناوین الفقهیة، ۳٦٦/۲.

۱٦. برخی از عبارات فقها که بیانگر مفروغ‌عنه‌بودن بطلان معاملات سفهی است: ۱. «إن قلنا بأنّ شرط أمر غير مقدور لغو و سفهی فلا يعتنی به عند العقلا»، اصفهانی، حاشية كتاب المكاسب، ۲۱۸/۵؛ ۲. «قد ادعی ان هذا النوع من المعاملة سفهی لأنه من قبيل بذل المال بوجه لا يعتبره العقلاء»، حلی، بحوث فقهية، ٦۲؛ ۳. «لأنّ البيع كذلك مع سقوط الصورة عن الماليّة، و فی محيط التشريع، سفهی غير عقلائی، فلا تشمله أدلّة تنفيذ المعاملات، و لا يمكن كشف رضی الشارع فيها و معه تقع باطله»، خمینی، المكاسب المحرمة، ۱۷۰/۱.

۱۷. خویی، مصباح الفقاهه، ۲٤/۲.

است و ادلهٔ عامه مانند: أَوْفُوا بِالْعُقُودِ،[۱۸] و أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ[۱۹] و تِجارَةً عَنْ تَراضٍ[۲۰] شامل این معاملات نمی شود؛ یا به‌دلیل اینکه آن عناوین، بر معاملات سفهی صدق نمی‌کند که بعید هم نیست و درنتیجه، باید اصل فساد را دربارهٔ آن‌ها جاری کرد یا به‌دلیل انصرافشان از این معاملات؛ زیرا ادله در امضای آنچه بین عقلا جریان دارد، وارد شده و امر زائدی را تأسیس نکرده‌اند؛ به‌خصوص مانند این اعمال سفیهانه‌ای که برای عقلا خنده‌دار است و طبع‌های سالم از آن متنفرند. افزون بر آن، در خصوص این معاملات، عدم‌ردع شارع را می‌توان کاشف از ردع او دانست؛ زیرا فرض بر این است که این معاملات عقلایی نبوده و متعارف نیز نبوده‌اند که شارع آن‌ها را در نظر بگیرد و از عدم‌ردع شارع بتوان رضایت وی را کشف کرد، بلکه اگر فرض شود این امر بین اراذل رواج دارد، نمی‌توان رضایت شارع را از نرسیدن ردع ازسوی شارع کشف کرد؛ زیرا بسیار بعید است شارع به امری رضایت دهد که عقل‌های سالم از آن اعراض می‌کنند و از آن متنفرند (و یا چنان توجهی بدان نماید که آن را ردع کند)؛ چراکه شارع، مربی عقلا و متمم مکارم است.[۲۱]

در کتب فقهی، فقدان شروطی از این دست سبب سفهی‌شدن معامله می‌شوند: قدرت بر تسلیم موضوع معامله،[۲۲] علم به قدرت بر تسلیم،[۲۳] ملکیت موضوع معامله،[۲٤] مالیت مورد معامله،[۲۵] منفعت عقلایی موضوع معامله،[۲٦] معلوم و معین‌بودن موضوع معامله[۲۷] یا وجود شروطی؛ همچون شروط بی فایده[۲۸] و غیرمقدور.[۲۹]

در نوشتار حاضر، ضمن مطالعهٔ معاملات رمزارزها ازنظرِ وجود یا فقدان این شروط، هر مسئله‌ای که شائبهٔ سفهی‌شدن این معاملات را در پی دارد، تحلیل و بررسی می‌شود.

۲. بررسی سفیهانه‌بودن ورود به معاملات رمزارزها

باتوجه‌به آنچه گفته شد، باید مواردی که فقها حکم به سفهی‌شدن معامله کرده‌اند را با بازار رمزارزها

۱۸. مائده: ۱.

۱۹. بقره: ۲۷۵.

۲۰. نساء: ۲۹.

۲۱. خمینی، کتاب البیع، ۲٤٥/۱.

۲۲. اردبیلی، مجمع الفائدة، ۵۸/۱۰؛ بحرانی، الحدائق الناضرة، ٥٥٤؛ حسینی عاملی، مفتاح الکرامه،۱۸/۱۳؛ طباطبایی حکیم، نهج الفقاهه، ٤۰۱.

۲۳. امامی، حقوق مدنی، ۲۱۲/۱؛ ٤۲۷/۱.

۲٤. اردبیلی، مجمع الفائدة، ١٦٧/٨.

۲۵. صاحب‌جواهر، جواهر الکلام، ۱۲۳.

۲٦. صاحب‌جواهر، جواهر الکلام، ۹؛ بجنوردی، القواعد الفقهیة، ۲٥٦/٦.

۲۷. مکارم شیرازی، حیله‌های شرعی، ٤٧٢/٢تا٤٧٣.

۲۸. کاتوزیان، اموال و مالکیت، ۱۷۱/۳.

۲۹. خویی، مصباح الفقاهه، ۸۲/۱.

تطبیق داد تا بتوان اقدامات سفیهانه در معاملات رمزارزها را مشخص کرد.

۲. ۱. قدرت و علم به قدرت بر تسلیم موضوع معامله

فقها ایـن شـرط را در زمـرهٔ شـروط صـحت بیـع آورده[۳۰] و حتـی برخـی، شـرط‌بـودن آن را اجمـاعی دانسته‌اند[۳۱] یا این اجماع را به بزرگان نسبت داده‌اند.[۳۲] قانون مدنی ایران نیـز در مـادهٔ ۳٤۸ مـی‌آورد: «بیـعِ چیزی که خریدوفروش آن قانوناً ممنوع است و یا چیزی که مالیت و یا منفعت عقلایی ندارد یا چیـزی کـه بایع قدرت بر تسلیم آن ندارد، باطل است، مگر اینکه مشتری خود قادر بر تسلیم باشـد.»[۳۳] برخـی، دلیـل باطل‌بودن عقدی که امکان تسلیم آن وجود ندارد را غیرعقلایی‌بودنِ شرط ذکر می‌کننـد[۳٤] و برخـی هـم در چنین حالتی، آن را مصداق غرر می‌دانند.[۳٥][۳٦] یکی از محققان، قید دیگری به این شرط افزوده است و علم به قدرت بر تسلیم را شرط صحت بیع می‌داند. وی می‌گوید: طرفین معامله، در حین عقد باید عالم باشـند که متعهد یا ناقل، قدرت بر تسلیم مورد معامله را دارد؛ زیرا هرگاه یکی از طرفین بداند که متعهد نمی‌توانـد مورد معامله را تسلیم کند و متعهدله نیز نمی‌تواند آن را تسلم کند، معاملهٔ مزبور، لغو و غیرعقلایی خواهـد بود و اگر معامله، معوض باشد، آن چیزی که در مقابل مال غیرمقدورالتسـلیم داده مـی‌شـود بـدون عـوض خواهد ماند. هرگاه قدرت بر تسلیم مال مورد معامله، مورد تردید یکی از طرفین واقع شـود؛ معاملـه بـر آن احتمالی و تسلیم عوض در مقابلش، مانند گروبندیِ غرری است و منطق حقـوقی، ایـن‌گونـه معـاملات را صحیح نشناخته است.[۳۷] حال سؤال اینجاست که آیا در معاملاتِ مربوط به رمزارزها، قدرت بر تسـلیم یـا علم به این قدرت وجود دارد؟

ازجمله ویژگی‌های مهم رمزارزها، خریدوفروش آنلاین است که این قابلیت، باتوجه‌بـه اعتبـار صـرافیِ ثبت‌نام شده و پلتفرم‌هایی که استفاده می‌کنند، سبب می‌شود در همان لحظـه کـه فـروش اتفـاق مـی‌افتـد، انتقال نیز صورت گیرد؛ لذا رمزارزها مشکلی از این جهت ندارنـد، هرچنـد برخـی، در اقـدامی نابخردانـه اقدام به ثبت‌نام در سایت‌ها و صرافی‌های نامعتبر می‌کنند و بـدین طریـق، راه را بـرای هـک‌شـدن حسـاب کاربری و دیگر مشکلات امنیتی باز می‌کنند.

---

۳۰. نائینی، المکاسب و البیع، ٤٦٤/۲.

۳۱. میرزای قمی، رسائل، ۱٤۲/۲.

۳۲. صاحب‌جواهر، جواهر الکلام، ۳۸۵/۲۲.

۳۳. امامی، حقوق مدنی، ۲۱۰/۱.

۳٤. اشتهاردی، مدارک العروة، ۲۲/۲۷.

۳۵. آل کاشف‌الغطاء، تحریر المجلة، ۱٦۹/۱؛ جزایری، هدی الطالب، ۷/ ۵۸۲؛.

۳٦. برخی نیز تعبد را دلیل بطلان این نوع معامله ذکر می‌کنند و معتقدند حتی اگر مصداق غرر هم نباشد باطل است (میرزای قمی، رسائل، ۳۹٤/۲).

۳۷. امامی، حقوق مدنی، ۲۱۲/۱؛ ٤۲۷/۱.

۲. ۲. مالیت مورد معامله

فقها در بحث از شروط عوضین، به بحث از لزوم مالیت‌داشتن عوضین و اناطهٔ صحت بیع به آن پرداخته[۳۸] و برحسبِ دیدگاه خود از مالیت، به ارائهٔ مقوم‌هایی برای مالیت اشیا پرداخته‌اند. شیخ انصاری و مقدس اردبیلی، منفعت عقلایی و حلال‌بودن را از مهم‌ترین مقوم‌های مالیت می‌دانند.[۳۹] محقق کرکی، برای مال‌بودن، مواردی را لازم می‌داند که عبارت‌اند از: قابلیت حیازت، قابل تملک‌بودن و قابلیت انتفاع داشتن.[٤٠] میرزای نایینی نیز منفعت یا خاصیت‌داشتن، جمع‌آوری شیء به‌دلیل منفعت یا خاصیت، پرداخت‌کردن مال در برابر آن و عدم‌نهی شرعی از آن خاصیت یا منفعت را، مقوم مالیت عنوان کرده است.[٤١]

امام خمینی، ملاک مالیت را رغبت عقلا می‌داند.[٤٢] از میان مقوم‌هایی که بزرگان فقه نام برده‌اند، ملاک امام خمینی، جامعیت بیشتری دارد و دیگر ملاک‌ها را پوشش می‌دهد؛ چراکه هریک از آن مقوم‌ها، به‌نوعی به ملاک رغبت عقلا باز می‌گردند. عوامل متعددی در متون فقهی وجود دارد که نقش تعیین‌کننده ای در تمایل عقلا راجع به معامله‌ای دارند. منفعت و سودداشتن،[٤٣] شرعی‌بودن[٤٤][٤٥] و اغراض سیاسی،[٤٦] ازجمله عواملی است که فقها در رغبت عقلا نسبت به خریدوفروش شیئی دخیل می‌دانند. چنانچه عقلا به معاملهٔ چیزی رغبت نشان ندهند، شیء از مالیت می‌افتد و درنتیجه، اقدام بایع برای خرید آن، اقدامی سفیهانه خواهد بود. از میان ملاک‌هایی که فقها برای رغبت یا عدم‌تمایل عقلا مطرح کرده‌اند، شرعی‌بودنِ بازار رمزارز، جای صحبت بیشتری دارد؛ آیا بازار رمزارزها مشروعیت دارد تا منجر به مالیت‌داشتن آن شود و درنتیجه، ذات معاملات مربوط به رمزارزها، اقدامی سفیهانه تلقی نشود؟ در این راستا، باید شبهات مربوط به شرعی‌بودن رمزارزها را در حکم اولیه، طبقه بندی و بررسی کرد:

---

۳۸. انصاری، مکاسب، ۹/٤.

۳۹. انصاری، مکاسب، ۱۰/٤؛ اردبیلی، مجمع الفائدة، ۵۳.

٤٠. محقق کرکی، جامع المقاصد،۱۳۰/۲.

٤١. نایینی، المکاسب و البیع، ۳۶۴/۲.

٤۲. خمینی، المکاسب المحرمة، ۲۰.

٤۳. صدر، اقتصادنا، ۱۹۸.

٤٤. امام خمینی در کتاب بیع خود می‌نویسد: اگر شیء در نظر شارع اقدس غیرمال باشد و عرف آن را مال بداند، به بیع آن لطمه‌ای نمی‌زند و شرع نمی‌تواند مالیت عرفی را اسقاط کند، بلکه می‌تواند آثار _مطلقاً یا فی‌الجمله_ آن را سلب نماید، نه اینکه چیزی را که عرف معتبر می‌داند از اعتبار بیندازد (خمینی، کتاب البیع، ۹/۳). این بیان امام درنتیجه با علمایی که اشیای نهی‌شده توسط شارع را مال نمی‌دانند، تفاوت چندانی ندارد و به‌هرحال، امرونهی شارع مقدس، خواه شیء را از مالیت بیندازد و خواه آثار آن را اسقاط کند، نشانگر اهمیت و تأثیر آن بر مالیت است. امام خمینی نهی شرعی را سبب عدم‌ترتب آثار می داند، نه بطلان (خمینی، کتاب البیع، ۹/۳).

٤۵. خمینی، کتاب البیع، ۹/۳.

٤٦. خمینی، المکاسب المحرمة، ۲٤٦.

۲. ۲. ۱. چالش‌های مربوط به حکم اولیهٔ رمزارزها

۲. ۲. ۱. ۱. ورود به معاملات رمزارزها، در حکم اکل مال به باطل است.

ادعای اکل به باطل‌بودن معاملات رمزارزها، تنها یک مستند دارد و آن آیهٔ «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لا تَـأْکُلُوا أَمْوالَکُمْ بَیْنَکُمْ بِالْباطِلِ إِلَّا أَنْ تَکُونَ تِجارَةً عَنْ تَراضٍ مِنْکُمْ»[۴۷] است. برداشت از این آیه نیاز بـه توضـیح دو مطلب دارد:

أ. معنای «با» در «بِالْباطِلِ»: در معنای «با» در این آیه، دو احتمال وجود دارد: اول، «با» در بالباطل، به‌معنای سببیت باشد که در این صورت، می‌توان آیه را به‌معنای «اموالتان را به اسباب باطل، همچون قمـار نخورید»[۴۸] دانست؛ دوم. معنای مقابله‌داشتن حرف «با» که در این صورت، معنای آیه، ایـن خواهـد بـود: «اموالتان را در مقابل باطل نخورید.»[۴۹] برخی، در هر دو صورت، معاملات رمزارزها را خـارج از آیـه مـی دانند؛ زیرا معتقدند بیت کوین مال عرفی و شرعی است و نمی‌توان آن را اکل مال به باطل قلمداد کرد.[۵۰] به عبارتِ‌دیگر، نویسنده، مال شرعی‌بودنِ رمزارزها را مفروغ‌عنه فرض کرده و سپس آن را از حکـم آیـه خـارج کرده است، ولی براساس دیدگاه حضرت امام، این پندار نادرستی است؛ زیرا بارشدن آثار مالیـت رمزارزهـا در جامعهٔ اسلامی، متوقف بر شرعی‌بودن آن‌هاست.

ب. مراد از «باطل»: مکارم شیرازی در اینکه منظور از باطل در اینجا چیست، می‌نویسد: تفسـیرهای مختلفی وجود دارد؛ بعضی آن را به‌معنای اموالی که از روی غصب و ظلم به دست مـی‌آیـد، دانسـته‌انـد و بعضی به اموالی که از طریق قمار و مانند آن فراهم می‌شود تفسیر می‌کنند و بعضی آن را اشـاره بـه امـوالی می‌دانند که از طریق سوگند دروغ (و انواع پرونده‌سازی‌های دروغین) به دست می‌آید. ولی ظاهر این است که مفهوم آیه، عمومیت دارد و همهٔ این مسائل و غیر این‌ها را شامل می‌شود؛ زیرا باطل که به‌معنـای زایـل و ازبین‌رونده است، همه را در بر می‌گیرد و اگر در بعضی از روایات، از امام باقر(ع) تفسیر به «سوگند دروغ» و در روایتی از امام صادق(ع) تفسیر به «قمار» شده است، در واقع از قبیل بیان مصداق‌های روشن اسـت. بنابراین، هرگونه تصرف در اموال دیگران از غیرطریق صحیح و به‌ناحق، مشمول این نهی الهی است. تمـام معاملاتی که هدف صحیحی را تعقیب نمی‌کند و پایه و اساس عقلایی ندارد، مشمول این آیـه اسـت. ایـن معنا در آیهٔ ۲۹ سورهٔ نساء با توضیح بیشتری خطاب به مؤمنان آمده است، می‌فرماید: «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لا

---

۴۷. نساء: ۲۹.

۴۸. فاضل مقداد، کنز العرفان، ۳۳/۲.

۴۹. خمینی، کتاب البیع، ۱۰۱/۱.

۵۰. خردمند، بررسی فقهی استخراج و مبادله رمزارزها با تمرکز بر شبکهٔ «بیت کوین»، ۱۰۹تا۱۲۴.

تَأْكُلُوا أَمْوالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْباطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجارَةً عَنْ تَراضٍ مِنْكُمْ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اموال یکدیگر را به باطل و از طُرُق نامشروع نخورید، مگر اینکه تجارتی باشد که با رضایت شما انجام گیرد. استثنای تجارت توأم با تراضی، در واقع، بیان مصداقی روشن از طُرق مشروع و حلال است و هبه، میراث، هدیه، وصیت و مانند آن را نفی نمی‌کند؛ زیرا آن‌ها نیز از طُرق مشروع عقلایی است.[٥١]

آیهٔ مورد بحث، از اکل به باطل نهی کرده است و طبیعتاً این نهی، تمامی مصادیق اکل به باطل را شامل می‌شود. پس اگر ثابت شود معاملات مربوط به رمزارزها، اکل به باطل است، نهی موجود در آیه، شامل حال آن خواهد شد. حال سؤال این است که آیا معاملات رمزارزها، اکل به باطل است؟ برای رسیدن به جواب این سؤال باید دید، ادله‌ای که برای بطلان معاملات سفهی و عدم‌جواز آن‌ها اقامه شده است، تمام هست یا خیر؟ بنابراین، خود این آیه را نمی‌توان دلیلی برای بطلان معاملات رمزارزها تلقی کرد.

به‌عبارت واضح‌تر، استناد به آیه برای عدم‌مشروعیت بازار رمزارزها نیاز به دو مقدمه دارد: ۱. هرچه مصداق اکل به باطل باشد، نامشروع است؛ ۲. معاملات رمزارزها، مصداق اکل به باطل است. نتیجه: پس معاملات رمزارزها نامشروع است. اشکال این استدلال در مقدمهٔ دوم است؛ بدین صورت که، ابتدا باید تمام ادله بررسی شود و درصورتی‌که ادله، بطلان این نوع معاملات را اثبات کند، می‌توان ورود به این بازار را مصداق اکل به باطل دانست، درحالی‌که بررسی ادله، صحت معاملات رمزارزها را نشان می‌دهد و معاملات صحیح را نمی‌توان مصداق اکل به باطل دانست.

۲. ۲. ۱. ۲. غرری‌بودن معاملات رمزارزها

«غرر»، غَرَّ وَ غُرُور (به‌ضم غین) و غِرَّة، به‌معنای فریب‌دادن یا تطمیع به باطل به کار می‌رود.[٥٢] در کتاب‌های لغت، برخی مصادر و اشتقاقات این فعل، به معانی دیگری نیز به کار رفته‌اند. برای مثال، برخی مصدر «الْغِرَّةُ» از این فعل را به‌معنای غفلت می‌دانند.[٥٣] در برخی کتب، «الغرر» مانند خطر است. کتاب العین، «غَرَّرَ بماله» را به‌معنای در معرض خطر قراردادن[٥٤] و مجمع البحرین نیز «التَّغْرِيرُ» را به‌معنای در معرض غرر قراردادنِ نفس آورده‌اند.[٥٥] «الغَرُورُ» نیز به این معانی آمده است: فریب‌دهنده،[٥٦] هر آنچه

---

٥١. مکارم شیرازی، بحوث فقهیه، ٤/٢.

٥٢. ابن‌منظور، لسان العرب، ١٢/٥؛ قرشی بنابی، قاموس قرآن، ٩٢/٥؛ طریحی، مجمع البحرین، ٤٢٢/٣.

٥٣. طریحی، مجمع البحرین، ٤٢١/٣؛ راغب اصفهانی، مفردات لفاظ القرآن، ٦٠٣؛ مقری، المصباح المنیر، ٤٤٤/٢؛ طریحی، مجمع البحرین، ٤٢١/٣.

٥٤. فراهیدی، کتاب العین، ٣٤٥/٤.

٥٥. طریحی، مجمع البحرین،٤٢١/٣.

٥٦. قرشی بنابی، قاموس قرآن، ٩٢/٥.

انسان را بفریبد[۵۷] و هرچه ظاهری نیکو و باطنی ناپسند و مجهول دارد.[۵۸] در اینکه آیا می‌توان اصل این ماده را به‌معنای واحدی برگرداند نیز اقوالی وجود دارد: برخی، اصل این ماده را حصول غفلت به تأثیر چیز دیگر دانسته و بدین وسیله، بین این کلمه و واژهٔ الغفلة تفاوت قائل شده‌اند.[۵۹] برخی، اصل معنا را جهالت[۶۰] و برخی نیز خدعه[۶۱] می‌دانند. البته امام خمینی در بحث از میزان دلالت قاعدهٔ غرر، معنای جهل ــ و نه خدعه ــ را مبنای بحث‌های خود قرار می‌دهد که نشان‌دهندهٔ رغبت وی ــ هرچند در معنای اصطلاحی ــ به این معناست.

فقها، در تعریف اصطلاحی این واژه تعابیر مختلفی به کار برده‌اند: شیخ انصاری، مراد از آن را خطر از جهت جهل به صفات مبیع و مقدار آن می‌داند.[۶۲] رشتی آن را مطلق جهالت[۶۳] و حلی آن را خطر می داند.[٦٤] یزدی نیز در تعریف این واژه می‌نویسد: غرر، امر ضرری خطری است که خالی از غفلت و خدعه نیست.[٦٥]امام خمینی، به بحث از دایرهٔ شمول غرر و تأثیر جهالت در معامله می‌پردازد و با بررسی دلایل و ادعاها و احتمالات مختلف در این زمینه، درنهایت، مسئله را با درنظرگرفتن انصاف، مشکل می‌داند. وی چنین می‌گوید: انصافاً مسئله، مشکل است؛ ازسویی، دست‌برداشتن از روایت جعفربن‌عیسی[٦٦] ــ باوجود اینکه روایتی حسن است و ظهور دارد در تأثیر صفاتی که سبب اختلاف قیمت می‌شوند ــ و یا اینکه حکم این روایت، به تبری از عیوب و تخصیص آنچه بر بطلان باوجودِ جهل به این صفات وجود دارد، مشکل است و ازسوی‌دیگر، اکتفا به جهلِ به خود مبیع و کمّیات آن و عدم‌ضرر جهلِ به دیگر اوصاف مطلقاً و حصر روایات متقدم بر بیع سلف نیز مشکل است، به‌خصوص وقتی شهرت بر بطلان وجود دارد با جهل به صفات که با اختلاف آن‌ها قیمت تفاوت می‌کند. از آنچه ذکر شد، هر دو احتمال وجه درخورِ اعتنایی دارند.[٦٧] این گفتار امام خمینی نشان می‌دهد وی با بررسی دلایل، به نتیجه نرسیده و همچنان، تردید بین دو

---

۵۷. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ٦٠٣.

۵۸. طریحی، مجمع البحرین،۴۲۱/۳.

۵۹. مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ۲۰٦/۷.

٦٠. انصاری، المکاسب، ۱۸۵/۲.

٦١. خمینی، کتاب البیع، ۳۰۵/۳.

٦٢. لأن المراد من الغرر هو الخطر من حیث الجهل بصفات المبیع و مقداره، لا مطلق الخطر (انصاری، مکاسب، ٧٠/١١).

٦٣. الغرر هو الجهالة (رشتی، کتاب الاجارة، ٣٦).

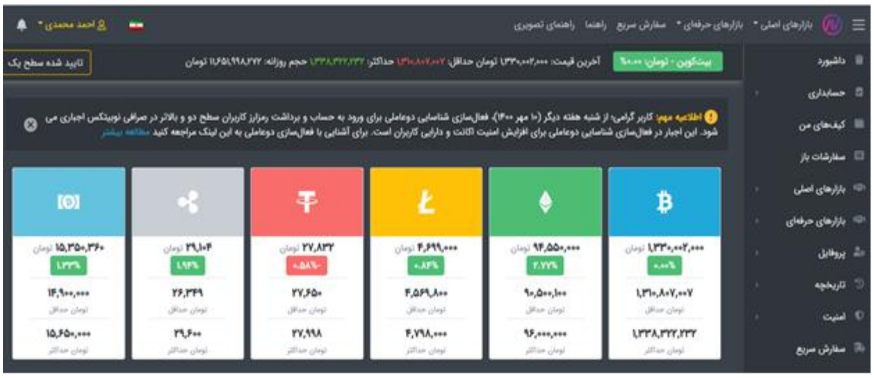
٦٤. الغرر هو خصوص الخطر دون الجهالة (علامه حلی، قواعدالاحکام، ٦٣).

٦٥. أنّ الغرر هو الأمر الضرری الخطری الّذي لا یخلو عن غفلة و خدیعة (یزدی، العروة الوثقی، ٤٧٥/٢).

٦٦. رُوِّینَا عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ص عَنْ أَبِیهِ عَنْ آبَائِهِ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص نَهَی عَنْ بَیْعِ الْغَرَرِ وَ هُوَ کُلُّ بَیْعٍ یُعْقَدُ عَلَی شَیْ‌ءٍ مَجْهُولٍ عِنْدَ الْمُتَبَایِعَیْنِ أَوْ أَحَدِهِمَا (ابن‌حیون، دعائم الإسلام، ٢١/٢).

٦٧. خمینی، کتاب البیع، ٥٣٥/٣.

قول در ایشان به‌قوّت خود باقی مانده است. ولی امام، اندکی بعد چنین می‌گوید: انصاف این است که اعتبار علم در غیرذات مبیع و اوصافی که به ذات مبیع بر می‌گردد دلیل مورد اعتمادی ندارد. نهایت امر این است که اوصافی ـ مانند رنگ و طعم و بوـ که در مالیت دخالت دارند، به آن الحاق می‌شوند.[۶۸] بنابر نظر امام خمینی، اگر علم حاصل شود به ذات و اوصافی که در ذات تأثیر دارند، معامله صحیح خواهد بود. حال، آیا این شرط در رمزارزها وجود دارد؟ طبیعتاً خریدار رمزارزها قبل از خرید، دربارۀ ماهیت رمزارزها و ارزشمندی آن اطلاعات کسب می‌کند؛ چراکه در غیر این صورت، راه را برای سفهی‌شدنِ معامله باز می‌کند و هنگام خرید رمزارز نیز همان‌طور که در تصویر زیر مشاهده‌شدنی است، فرد می‌داند چه چیزی را با چه اوصافی و در چه قیمتی می‌خرد و به نظر می رسد همین مقدار از علم، برای صحت معاملۀ وی کفایت می‌کند.



۲. ۲. ۲. چالش مربوط به حکم ثانویه[۶۹] در بازار رمزارزها

گذار از حکم اولیه به ثانویه می‌تواند دلایل متعددی داشته باشد[۷۰] که یکی از مهم‌ترین آن‌ها، وجود ضرر است. ضرر در لغت، به‌معنای تنگنا،[۷۱] خلاف نفع،[۷۲] نقص واردشده بر چیزی،[۷۳] مجازات

۶۸. خمینی، کتاب البیع، ۵۳۹/۳.

۶۹. در جستار حاضر به‌منظور نظام‌بندی مقاله، بحث مربوط به لاضرر با عنوان حکم ثانویه بررسی شده است. اولیه یا ثانویه‌بودنِ این قاعده در معاملات نیاز به بررسی بیشتر دارد.

۷۰. موارد دیگری، از جمله: امرونهی پدرومادر، اکراه، عجز، نذر، قسم، عهد، تقیه، اضطرار، عسروحرج نیز در حکم ثانویه مؤثرند و در این مسئله، بحث نمی‌شوند؛ زیرا بنابر نظر مشهور، تأثیر آن‌ها در احکام، شخصی است.

۷۱. ابن‌منظور، لسان العرب، ٤٨٤/٤.

۷۲. جوهری، الصحاح، ۸۹؛ ابن‌اثیر، النهایه، ۸۱/۳.

۷۳. فراهیدی، کتاب العین، ٤٨٢/٧.

ضرررساننده با ضرر زدن به او[۷۴] آمده است. به نظر امام خمینی، غالب استعمالات ضرر و مشتقات آن، مالی یا نفسی است.[۷۵] وی، پیامبر اکرم(ص) را دارای شئون مختلف نبوت و سلطنت و قضاوت می‌داند و معتقد است: هرجا کلماتی مانند؛ قضی، حکم، امر و امثال آن به کار رفته است، مربوط به مقام قضا یا سلطنت ایشان است و دربردارندهٔ حکم شرعی و بیان‌کنندهٔ حلال و حرام شرعی نیست. قاعدهٔ لاضرر نیز دربردارندهٔ حکم شرعی نیست و از روایات مربوط به مسئله چنین بر می‌آید که ایشان در مقام قضاوت یا سلطنت، این امر را صادر کرده‌اند.[۷۶] استناد به قاعدهٔ لاضرر برای منع ورود به بازار رمزارزها دو اشکال عمده دارد:

أ. برخی از فقهای شیعه، قاعدهٔ لاضرر را شخصی می‌دانند[۷۷] و وقتی این قاعده، شخصی باشد، توجیهی برای منع افرادی که با علم وارد این بازار می‌شوند و ضرر نمی‌کنند، وجود نخواهد داشت؛ لذا باید به‌صورت جداگانه، در شخصی یا نوعی‌بودن قاعدهٔ لاضرر پژوهش صورت گیرد.[۷۸]

ب. باتوجه‌به اینکه در مسئله، به‌دنبال حکم شرع در ورود به بازار رمزارزها هستیم و این قاعده ازنظرِ امام خمینی در مقام بیان حکم شرعی نیست؛ لذا نمی‌توان با استناد به این قاعده، ورود به بازار رمزارزها را زیر سؤال برد، ضمن اینکه ورود به بازار رمزارزها اگر مسبوق به دانش‌اندوزی باشد، سودآور نیز خواهد بود.

۲. ۳. منفعت عقلاییِ موضوع معامله

امام خمینی، در تأثیر منفعت در رغبت عقلا می‌نویسد: وجود منفعت، سبب تبدیل شیء به مال ـ به طوری‌که مردم در قبال آن حاضر به پرداخت مال هستند ـ می‌شود و وقتی وجود منفعت در آن فرض شود، موجب رغبت به آن و مالیتش می‌شود.[۷۹]

بجنوردی و امامی، منفعت عقلایی را تنها در عقود معوض، شرط صحت می‌دانند و در عقود غیرمعوض، تنها شرط را باطل می‌دانند.[۸۰] قانون مدنی نیز وجود منفعت عقلایی را شرط دانسته و در مواد

---

۷۴. طریحی، مجمع البحرین، ۳۷۳/۳؛ ابن‌اثیر، النهایه، ۸۱/۳؛ ابن‌منظور، لسان العرب، ۲۳٤/٤

۷۵. نک: جزایری، برهانی، بررسی آراء فقها در قاعدهٔ لاضرر با تأکید بر دیدگاه حکومتی امام خمینی، ۱۲؛ خمینی، الرسائل، ۳۱/۱.

۷٦. خمینی، الرسائل، ۵۰/۲.

۷۷. بجنوردی، القواعد الفقهية، ۲۰۹/۱؛ انصاری، رسائل، ۵۳۷/۲؛ خوانساری نجفی، رسالة فی قاعدة نفی الضرر، ۲۲۲.

۷۸. فقها دربارهٔ شخصی یا نوعی‌بودنِ قاعدهٔ لاضرر نظر متفاوتی دارند: برخی، قاعدهٔ لاضرر را شخصی می‌دانند. برخی دیگر نیز در مقابل این گروه، آن را نوعی به حساب آورده‌اند و گروه سوم هم قائل به تفصیل هستند و در عبادات، این قاعده را شخصی و در معاملات، نوعی می‌دانند (عراقی و کزازی، قاعدهٔ لا ضرر، ۲۱۰).

۷۹. خمینی، المکاسب المحرمة، ۱۳۲/۱.

۸۰. موسوی بجنوردی، قواعد فقهیه، ۳۹۰/۲؛ امامی، حقوق مدنی، ۱۷۲/۱.

۲۱۵ و ۳٤۸ به این موضوع پرداخته است.[۸۱] پس هرآنچه منفعت عقلایی نداشته باشد، نمی‌تواند به‌عنوان عوض در بیع قرار گیرد. حال، آیا این شرط در بازار رمزارزها وجود داد؟ رمزارزها، منافع فردی و اجتماعیِ بسیاری دارند و آزادی در پرداخت و دسترسی بین‌المللی، هزینهٔ عملیاتیِ پایین، سرعت بالا در انتقالات بین‌المللی و فرامرزی و عدم‌وابستگی به سیاست‌های دولت‌ها را باید از بارزترین ویژگی‌های مثبت آن‌ها دانست. ناتوانی دولت‌ها در مصادره و بلوکه‌کردن رمزارزها، امکان رهگیری و شفافیت و هوشمندی قراردادها؛ ازجمله مزایا و منافع فردیِ این فناوری و ایجاد شغل، گرایش به استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر، بی‌اثرکردن تحریم‌ها، تسهیل پیمان‌های پولی دو یا چند جانبه، از جمله منافع اجتماعی حاصل از فعالیت در بازار رمزارزها به شمار می‌روند.[۸۲]

۲. ٤. ملکیت موضوع معامله

ملکیت موضوع معامله، شرطی است که فقها در صحت یا بارشدن آثار معامله، لازم می‌دانند. روحانی قمی در خصوص شرط‌بودن ملکیت می‌نویسد: بذل مال در برابر آنچه مملوک نیست، سفهی و اکل مال به باطل است.[۸۳] صاحب‌جواهر، بر شرط‌بودن این مقوله نیز ادعای اجماع کرده است.[۸٤] باتوجه‌به اینکه رمزارزها ابتدا استخراج و سپس معامله می‌شوند، پس باید به این سؤال پاسخ داد که آیا با استخراج رمزارزها، ملکیت حاصل می‌شود؟ اگر ملکیت حاصل شود، فروشندهٔ رمزارزها مالک است و می‌تواند با فروش مورد معامله، ملکیت را نیز انتقال دهد؛ توضیح آنکه، روزانه در بستر شبکهٔ بیت کوین، تعداد شایان توجهی تراکنش انجام می‌شود که در استخر تراکنش ذخیره می‌شود. برای تأیید هر تراکنش، معامله‌کنندگان باید مبلغی را به‌عنوان کارمزد تأیید، قرار دهند تا نودها را مایل به بررسی و تأیید آن تراکنش کنند. ماینر، تعدادی از تراکنش‌ها را براساس زمان ثبت تراکنش انتخاب می‌کند و با گنجاندن آن‌ها در یک بلاک به حجم یک مگابایت، آن را به شبکه پیشنهاد می‌دهد و سپس با حل معادلات پیچیدهٔ ریاضی، آن بلاک، رمزنگاری می‌شود که پس از آن، دیگر امکان تغییر اطلاعات نخواهد بود. حل سریع این معادلات نیازمند تجمیع تعداد زیادی از کامپیوترهای پرقدرت است که با نام استخرهای استخراج شناخته می‌شوند؛ زیرا به‌سبب سختی شبکه، رایانه‌های معمولی به‌تنهایی توان حل فرمول‌های مشکل ریاضی بلاک‌ها را در کوتاه مدت ندارند.[۸۵] با مشارکت نودهای متعدد که در استخرها با هم اقدام به استخراج و رمزنگاری یک بلاک

---

۸۱. قانون مدنی.

۸۲. https://www.tasnimnews.com/fa/news/1398/06/25/2097333

۸۳. حسینی روحانی، المسائل المستحدثه، ۲۱۰/۱٦.

۸٤. صاحب‌جواهر، جواهر الکلام، ۳٤۳/۲۲.

۸۵. ماهنامه شبکه، ۱۶.

می‌کنند، این کار در زمان کوتاه انجام می‌شود. ماینر، بلاک جدید را ـ‌که طبق تنظیمات شبکه، هر ده دقیقه امکان حل یک معادله وجود دارد‌ـ به نت‌های شبکه ارسال می‌کند. دیگر ماینرها، زمان انجام استخراج بلاک‌های بعدی اقدام به تأیید تراکنش‌های انبلاک نیز می‌کنند.[۸٦] نود استخراج‌کننده یا همان ماینر، بعد از اتمام فرایند اثبات کار، چند بیت کوین به‌عنوان پاداش دریافت می‌کند و هر سیستم، به‌اندازهٔ قدر هشی[۸۷] که به کار گرفته است، از پاداش استخراج، سهم خواهد برد.

در ماهیت فقهی‌حقوقی پاداشی که از طریق استخراج بیت کوین به دست می‌آید، چند احتمال وجود دارد:

۱. برگزاری مسابقه و قراردادن جایزه برای معاینهٔ پیش‌گام در حل مسئلهٔ ریاضی مطرح‌شده در بلاک؛

۲. هدیه از طرف شبکه، به ماینری که بلاک را هش‌گذاری کند؛

۳. کار برای شبکه و دریافت اجرت از شبکه؛

٤. قرارداد جالب، به این صورت که شبکه، پاداش معینی را برای حل مسئلهٔ ریاضی بلاک و رمزنگاری آن برای یابندهٔ پاسخ قرار دهد که پس از ارائهٔ جواب، ماینرِ موفق تعلق می‌گیرد؛

۵. استخراج معدن؛

٦. گنج‌یابی؛

۷. حیازت و تملک پاداش عملیات رمزنگاری.

طبیعتاً، اگر رمزارزها به‌گونهٔ اول؛ یعنی به‌وسیلهٔ قمار و مسابقه به دست آیند، ازنظرِ شرعی مشکل خواهند داشت و نمی‌توان آن‌ها را مالک شد و درنتیجه، اقدام به خریدوفروش آن، اقدامی سفیهانه است ولی بقیهٔ موارد، جزء عقود اسلامی است و با رعایت شروط هریک از آن‌ها، مشکلی برای ملکیتشان وجود نخواهد داشت. به‌طور خلاصه باید گفت: استخراج رمزارزها، مسابقه به شمار نمی‌آید؛ زیرا در مسابقهٔ رایج که فقه آن را مردود اعلام کرده است، بحث از مبارزه و شکست طرف دیگر است که در استخراج رمزارزها چنین رقابتی وجود ندارد، هرچند ممکن است به‌صورت عارضی، برای رمزگزاری هر بلاک، متقاضیان

---

٨٦. خلیلی، صفا ١٣٩٦. /https://www.zoomit.ir/economics/ ٣٨٠٤٤٣-nobitex-١٤٠٠yearly-report-/

٨٧. «هش» تابعی است که ورودی از حروف و اعداد را به یک خروجی رمزگذاری‌شده با طولی ثابت تبدیل می‌کند. توابع hash در سرتاسر اینترنت به‌منظور ذخیرهٔ ایمن کلمهٔ عبور، یافتن سوابق تکراری، ذخیرهٔ سریع و بازیابی اطلاعات و موارد این‌چنین به کار برده می‌شوند. «هش» با استفاده از الگوریتمی ایجاد می‌شود که برای مدیریت بلاک‌چین در فضای کریپتوکارنسی‌ها بسیار ضروری است و در واقع، پایهٔ شبکه بلاک‌چین نیز محسوب می‌شود. هشینگ در ایجاد فناوری بلاک‌چین، نقش بسیار اساسی ایفا کرده است. اگر قصد دارید تا متوجه شوید فناوری بلاک‌چین چگونه کار می‌کند، قطعاً باید مفهوم هشینگ را به‌درستی درک کنید. (https://khanesarmaye.com/hash/#gref).

زیادی وجود داشته باشد ولی قوام آن بر رقابت استوار نشده است.[۸۸]

۲. ۵. معلوم و معین‌بودن عوضین

فقها دربخش شروط عوضین، به بحث از معلوم و معین‌بودن ثمن و مثمن پرداخته و آن را شرط صحت بیع می‌دانند[۸۹] و شیخ انصاری در مکاسب، این شرط را اجماعی دانسته و حکم به بطلان را به کتاب‌هـایی، مانند: سرائر، مختلف، تذکره، و روضه نسبت داده است.[۹۰] طبیعتاً انجام معـاملاتی کـه در آن، عوضـین یـا یکی از آن‌ها معلوم و معین نباشد، سفیهانه خواهد بود. امروزه با رشد پلتفرم‌های مربـوط بـه خریـدوفروشِ رمزارزها، می‌توان ثانیه به ثانیه از قیمت‌ها مطلع بود و به خریدوفروش رمزارزهایی با مقدار معلـوم و معـین اقدام کرد؛ لذا به نظر نمی‌رسد در این حوزه مشکل جدی وجود داشته باشد.[۹۱]

۲. ٦. ویژگی‌های مختص رمزارزها

بازار رمزارزها ویژگی‌هایی دارد که سبب می‌شود مردم برای ورود به این بـازار، ریسـک زیـادی را قبـول کنند و این احتمال وجود دارد که باوجودِ این ویژگی‌ها، ورود به این بازار و خریدوفروش رمزارزها، اقـدامی سفیهانه به شمار رود.

۲. ٦. ۱. نوسانات بدون محدودیت

بازار رمزارز، بازاری نوآورانه است که از سال ۲۰۰۹ شروع به فعالیـت کـرده اسـت و از خریـدوفروش مردم در این بازار، چندین سال می‌گذرد. این بازارِ نوپا و جوان، به‌دلیل کوچکی حجم و زیـادبودن سـرعت معامله به‌سبب دیجیتالی‌بودنِ آن، قطعاً تلاطم شدیدی نسبت به دیگر بازارها، نظیـر طـلا، ارز و... خواهـد داشت. حتی ممکن است برخی، آگاهی کاملی از بازار بورس و فارکس داشته و موفق باشـند، امـا در بـازار رمزارز دچار شکست و متضرر شوند. بنابراین، داشتن اطلاعات کافی از نحوۀ ایجاد و نابودی رمزارز، برای ورود به این بازار ضروری است. نوسان‌پذیری رمزارزها به‌قدری زیاد است که ممکن است فرد در یک روز، چهل درصد ضرر ببیند.[۹۲] برخی معتقدند: نوسان‌های این بازار، ناشی از عدم‌وجـود قیمـت ذاتـی اسـت و هرگونه تغییر قیمت، ناشی از نیروهای عرضه و تقاضا در بازار است و برخی از پیش‌بینی‌ها، از حبابی‌شـدن این بازار خبر می‌دهند که احتمال سقوط ارزش رمزارزها را بالا می‌برد و ریسک ورود به این بازارها را بیشتر

---

۸۸. خردمند، بررسی فقهی استخراج و مبادلۀ رمزارزها با تمرکز و شبکه بیت کوین، ۱۰۹تا۱۲۴.

۸۹. صاحب‌جواهر، جواهر الکلام، ٤۰۵/۲۲.

۹۰. انصاری، مکاسب، ۱۷٤/۱۱.

۹۱. شروط بی‌فایده و غیرمقدور نیز یکی دیگر از عوامل سفهی‌شدنِ معاملات به شمار آمده است (کاتوزیان، اموال و مالکیـت، ۳، ش۵٦۹/۱۷۱)، ولـی بـه‌دلیل نبود اثر عملی این دو شرط در بحث حاضر، از بحث دربارۀ آن صرف‌نظر شده است.

92 https://www.mehrnews.com/news/5188446

می‌کند.[۹۳]

۲. ٦. ۲. وجود ریسک هک‌شدن

اگرچه ارزهای رمزپایه بسیار امن هستند؛ اما مبادلات با این ارزها، چندان ایمن نیست. اکثر صرافی‌ها، داده‌های کیف پول کاربران را ذخیره می‌کنند تا شناسهٔ کاربری آن‌ها به‌درستی کار کند که این داده‌ها توسط هکرها سرقت‌شدنی هستند و به آن‌ها امکان دسترسی به بسیاری از حساب‌ها را می‌دهد.

پس از دسترسی، این هکرها می‌توانند به‌راحتی، وجه را از آن حساب‌ها برداشت و به حساب خوب منتقل کنند. برخی از صرافی‌ها، مانند **Bitfinex** یا **Mt Gox** در سال‌های گذشته، هک و بیت کوین هزار و حتی میلیون دلار آمریکا سرقت شده است. امروزه، اکثر صرافی‌ها از امنیت بسیاری برخوردارند، اما همیشه ریسک قرارگرفتن در معرض هک و حملات سایبری وجود دارد.[۹٤]

نقد نگارنده: امروزه، هک‌شدن در فضای مجازی، در بسترهای مختلفی، ازجمله بانک‌ها نیز وجود دارد و در حوزهٔ رمزارزها نیز وجود چنین امری طبیعی است و روش‌هایی هم برای کاهش ریسک هک‌شدن وجود دارد که با به‌کارگیری آن‌ها، تا حد زیادی می‌توان از خطر هک‌شدن در امان ماند. این روش ها عبارت اند از: ۱. استفاده از صرافی‌های معتبر؛ ۲. استفاده از کیف پول دیجیتالی معتبر؛ ۳. ذخیرهٔ ارزهای دیجیتال به‌صورت آفلاین در کیف پول سخت‌افزاری؛ ٤. نگه‌داری کیف پول کاغذی یا سخت‌افزاری در جایی امن؛ ٥.نگه‌داری کلید خصوصی خود، دور از محل کیف پول سخت‌افزاری و در محیطی آفلاین؛ ٦. نگه‌داری مقدار ارز دیجیتال محدود در صرافی‌ها؛ ۷. نگه‌داری آن مقدار ارز دیجیتال که قصد معامله‌کردنشان را ندارید، در کیف پول سخت‌افزاری؛ ۸. بوک‌مارک‌کردن آدرس سایت‌های ترید ارز دیجیتال؛ ۹. احراز هویتِ دوعاملی، توسط پیامک تلفن همراه یا ایمیل؛ ۱۰. بازگونکردن میزان دارایی دیجیتال خود به دیگران؛ ۱۱. عدم‌نگهداری کل رمزارزها در یک کیف پول؛ ۱۲. پخش‌کردن دارایی دیجیتال خود در چند کیف پول؛ ۱۳. غیرفعال‌کردن قابلیت به‌روزرسانی در کیف پول خود؛ ١٤. حذف تمامی نرم‌افزارهایی که از راه دور، سیستم شما را کنترل می‌کنند؛ ۱٥. استفاده از سیستم‌عامل لینوکس به جای ویندوز؛ ١٦. نصب یک ADblockers برای تشخیص تبلیغات ایمن و نرم‌افزارهای آلوده؛ ۱۷. چک‌کردن پنج کاراکتر اول و آخرِ آدرس کیف پول با گیرنده؛ ۱۸. استفاده از پسوردهای دشوار؛ ۱۹. مرور اخبار راهکارهای جدید هکرها برای هک کیف پول‌های دیجیتال.

93.https://plus.irna.ir/news/84248087

94 .https://khanesarmaye.com/crypto-future/#gref

۲. ٦. ۳. عدم‌امکان بازپرداخت یا لغو

اگر بین طرفین اختلافی وجود داشته باشد یا کسی به‌اشتباه، وجهی را به آدرس کیف پولِ اشتباه ارسال کند، ارسال‌کننده نمی‌تواند کوین را بازیابی کند.[95]

نقد نگارنده: زمانی که فرد اقدام به معامله ای می‌کند و قبض‌واقباض صورت می‌گیرد و طرفین حق فسخ یا خیاری ندارند، بیع در بستر شرع ایجاد شده است و دیگر نمی‌توان آن را از بین برد. وقتی فردی رمزارزی را می‌فروشد و سفارش‌گذاری می‌کند، براساس قواعد، با قبول طرف مقابل، دیگر امکان بازپرداخت وجود نخواهد داشت. باتوجه‌به حساسیت زیادی که خریدوفروش برخط دارد، قبل از اقدام به هر عملی در این فضا، باید اطمینان به اقدام حاصل کرد و طبیعتاً، دقت در جزئیاتی، مانند: آدرس مقصد، قیمت فروش و... به‌راحتی این مشکل را برطرف می‌کند.

۲. ٦. ٤. خطر بسته‌شدن حساب کاربری ایرانیان

باتوجه‌به اینکه بازار رمزارزها بازاری جهانی است، امکان دارد معامله‌گران و سرمایه‌گذاران ایرانی با مسائل و محدودیت‌های دیگری و نیز ریسک‌های متفاوتی نسبت به سایر سرمایه‌گذاران بین‌المللی مواجه شوند. اگر ایرانی‌ها در صرافی‌های بین‌المللی حساب کاربری داشته باشند، ممکن است به‌دلیل وجود تحریم‌ها، هر لحظه حسابشان مسدود شود. این موضوعی است که در گذشته هم اتفاق افتاده و صرافی بایننس با اینکه شرکتی چینی است، حساب بسیاری از ایرانیان را مسدود کرد. این موضوع، به‌دلیل قوانین بین‌المللی و تحریم‌ها اتفاق افتاد و بسیاری از افراد، رمزارزهای خود را از دست دادند. این اتفاق می‌تواند در صرافی‌های بین‌المللی و خارجی دوباره رخ دهد.[96]

نقد نگارنده: تحریم‌های وضع‌شده علیه ایران، سبب مسدودشدن حساب کابران ایرانی توسط برخی از صرافی‌ها شده است که البته مختص به ایران هم نیست و شامل کاربران کشورهای دیگر، ازجمله آمریکا نیز می‌شود. برای چاره‌جویی این مشکل، دو روش عمده وجود دارد: ۱. می‌توان از IPهای کشورهایی که تحریم نیستند در این صرافی‌ها ثبت‌نام کرد و به خریدوفروش پرداخت؛ ۲. از صرافی‌هایی که کاربران ایرانی را تحریم نکرده‌اند، استفاده کرد. البته ذکر این نکته ضروری است که این مشکل برای کاربران ایرانی وجود دارد و حتی اگر با فرض این مشکل، اقدام به خریدوفروش رمزارزها برای ایرانیان سفیهانه باشد، نمی توان این حکم را دربارهٔ مسلمانانی که در دیگر کشورها زندگی می‌کنند صادر کرد؛ زیرا قوانین اسلام و احکام آن، فراسرزمینی است.

95 . https://khanesarmaye.com/crypto-future/#gref

96 .https://plus.irna.ir/news/84248087

۲. ۶. ۵. فراموشی رمز و در نتیجه ازدست‌دادن دارایی

اگر کسی دسترسی به رمز افراد متوفا نداشته باشد، رمزارزِ آن‌ها از بین می‌رود. اگر فردی رمز خود را فراموش کند نیز رمزارزش را از دست خواهد داد.

نقد نگارنده: این مشکل با حفاظت از رمزِ عبور در مکان‌های مختلف و مطمئن حل‌شدنی است.

۲. ۷. قیمت‌های نامعقولِ موضوع معامله و رفتارهای جاهلانه در حین معامله

مکارم شیرازی در کتاب بررسی طُرق فرار از ربا می‌نویسد: اگر در معامله‌ای، قیمت نامعقولی توافق شود، آن معامله، سفهی و باطل است؛ مثلاً اگر کسی خانهٔ چندین میلیون تومانی خود را به چند تومان بفروشد، قطعاً چنین معامله‌ای سفهی و باطل است.[۹۷]

گاهی اوقات، رفتار سفیهانه هنگام انجام معامله رخ می‌دهد، به‌طوری‌که افراد ناآشنا به فضای این معاملات، اقدام به خریدهای غیرمنطقی می‌کنند. امروزه، قبل از خریدوفروش سهام یا ارزها، به روانشناسی بازار و نیز به‌بررسی داده‌های حاصل از اندیکاتورها توجه می‌شود، به‌طوری‌که از کنار هم قراردادن این پازل‌ها می‌توان سیگنال خرید یا فروش سهم‌های بازار سرمایه یا رمزارزها را مشخص کرد، به گونه‌ای که حداقل ریسک و احتمال ضرر را در پی خواهد داشت.



برای مثال، در اندیکاتور بالا، بیت کوین به‌عنوان یکی از رمزارزها در سقف کانال سعودی و ابتدای روند نزولی قرار گرفته است که ممکن است با بررسی دیگر شاخص‌ها، خریدِ در این قیمت ازنظرِ عقلای این بازار، سفیهانه باشد. نمونهٔ این نوع معاملات را می‌توان به‌وضوح در معاملات مردادماه سال ۱۳۹۹

۹۷. مکارم شیرازی، بررسی طرق فرار از ربا، ۵۳.

بورس ایران مشاهده کرد. در آن زمان، عقلای بازار باتوجه‌به تحلیل‌های تخصصی، مردم را نهـی می‌کردنـد از خرید سهم‌هایی که رشد شارپی را تجربه کرده بود؛ درحالی‌که برخی از مردم به‌راحتی اقدام به خرید این سهم‌ها در آن قیمت‌ها می کردند.

به نظر می رسد با درنظرگرفتن تحلیل‌هـای مختلـف بنیـادی و تکنیکـال مـی‌تـوان خریـدوفروش ایـن رمزارزها را ازنظرِ عقلا توجیه کرد.

نتیجه‌گیری

فقها، مواردی را در سفهی‌شدنِ معامله دخیل دانسته‌اند، ازجمله: قدرت و علـم بـه قـدرت بـر تسـلیم، مالیت مورد معامله، منفعت عقلاییِ‌داشتنِ مورد معامله، ملکیت مورد معامله، معلـوم و معین‌بـودن مـورد معامله، قیمت‌های نامعقول. حاصل تطبیق معاملات رمزارزها با این ملاک‌ها چنین است:

۱. خریدوفروش آنلاین رمزارزها، تسلیم و تسلم را در لحظه امکان‌پذیر می‌کند و تنها افرادی که قـدرت بر تسلیم دارند، می‌توانند رمزارزها را معامله کنند، لذا شرط قدرت بر تسلیم و علـم بـه آن موجـود اسـت و ازاین‌رو، دلیلی بر سفهی‌شدن معاملات رمزارزها وجود ندارد.

۲. مالیت‌داشتن عوضین، ازجمله شروطی است که وجود آن، مانع سفهی‌شدن معاملات می‌شـود.امام خمینی، ملاک مالیت را رغبت عقلا می‌داند. وی، ملاک‌هایی برای رغبت عقلا به معاملهٔ شیئی را ذکر مـی کند که مهم‌ترین آن، شرعی‌بودن موضوع معامله است. بررسی این ملاک نشان می‌دهد: نهی شرع که سبب عدم‌مالیت و درنتیجه، سفهی‌شدن معاملات می‌شود، در رمزارزها وجود ندارد؛ زیرا اولاً، نهی موجود در آیهٔ «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لا تَأْکُلُوا أَمْوالَکُمْ بَیْنَکُمْ بِالْباطِلِ إِلَّا أَنْ تَکُونَ تِجارَةً عَنْ تَراضٍ مِنْکُمْ»، شـامل معـاملات رمزارزها نمی‌شود؛ چراکه استناد به آیه برای عدم‌مشروعیت بازار رمزارزها نیاز به دو مقدمـه دارد: ۱. هرچـه مصداق اکل به باطل باشد، نامشروع است؛ ۲. معاملات رمزارزها، مصداق اکل به باطل است. نتیجه: پس معاملات رمزارزها نامشروع است. اشکال این استدلال در مقدمهٔ دوم است؛ بدین صـورت کـه، اولاً بایـد تمام ادله بررسی شود و درصورتی‌که ادله، بطلان این نوع معاملات را اثبات کند، می‌توان ورود به این بـازار را مصداق اکل به باطل دانست، درحالی‌که بررسی ادله، صـحت معـاملات رمزارزهـا را نشـان مـی‌دهـد و معاملات صحیح را نمی‌توان مصداق اکل به باطل دانست. ثانیاً، باتوجه‌به مشخص‌بودن ماهیـت اعتبـاری رمزارزها و اوصاف دخیل در ماهیت آن، به نظر نمی‌رسد معاملات مربوط به رمزارزها مصداق بیـع غـرری باشد. ثالثاً، استناد به قاعدهٔ لاضرر برای منع ورود به بازار رمزارزها اشکال عمـده دارد؛ بـدین صـورت کـه، برخی از فقهای شیعه، قاعدهٔ لاضرر را شخصی می‌دانند و وقتی این قاعده شخصی باشد، تـوجیهی وجـود

نخواهد داشت برای منع افرادی که با علم وارد این بازار می‌شوند و ضرر نمی‌کنند، لذا باید به‌صورت جداگانه، در شخصی یا نوعی‌بودن قاعدهٔ لاضرر پژوهش صورت گیرد و از طرفی، باتوجه‌به اینکه در مسئله، به‌دنبال حکم شرع در ورود به بازار رمزارزها هستیم و این قاعده ازنظرِ امام خمینی در مقام بیان حکم شرعی نیست، لذا نمی‌توان با استناد به این قاعده، ورود به بازار رمزارزها را زیر سؤال برد، ضمن اینکه ورود به بازار رمزارزها اگر مسبوق به دانش‌اندوزی باشد، سودآور نیز خواهد بود.

۳. آزادی در پرداخت و دسترسی بین‌المللی، هزینهٔ عملیاتی پایین، سرعت‌بالا در انتقالات بین‌المللی و فرامرزی و عدم‌وابستگی به سیاست‌های دولت‌ها، ناتوانی دولت‌ها در مصادره و بلوکه‌کردن رمزارزها، امکان رهگیری و شفافیت و قراردادهای هوشمند، ازجمله مزایا و منافع فردی این فناوری است. ایجاد شغل، گرایش به استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر، بی‌اثرکردن تحریم‌ها، تسهیل پیمان‌های پولی دو یا چندجانبه، ازجمله منافع اجتماعی حاصل از فعالیت در بازار رمزارزها به شمار می‌روند که نشانگر وجود منفعت عقلایی در رمزارزها و درنتیجه، سفهی‌نبودن معاملات آن‌ها از این جهت است.

٤. استخراج رمزارزها مسابقه به شمار نمی‌رود، زیرا در مسابقهٔ رایج که فقه آن را مردود اعلام کرده است، بحث از مبارزه و شکست طرف دیگر است که در استخراج رمزارزها چنین رقابتی وجود ندارد، هرچند ممکن است به‌صورت عارضی برای رمزگذاری هر بلاک، متقاضیان زیادی وجود داشته باشد، ولی قوام آن بر رقابت استوار نشده است. بنابراین، استخراج رمزارزها زیرنظرِ هر عقدی در فقه قرار گیرد و ضوابط مربوط به آن رعایت شود، درخورِ تملک است و با فروش آن، ملکیت نیز انتقال می‌یابد و درنتیجه، نمی‌توان شرط ملکیت را مفقود دانست و خرید آن را سفهی تلقی کرد.

٥. نوسانات بدون محدودیت، ریسک هک‌شدن، نبود امکان بازپرداخت یا لغو، خطر بسته‌شدن حساب کاربری ایرانیان، فراموشی رمز و درنتیجه، ازدست‌دادن دارایی، مشکلاتی است که با بالابردن دانش و همچنین حضور جدی دولتمردان برای ایجاد بسترهای لازم، به‌راحتی از بین خواهد رفت، به‌طوری‌که حتی اگر آیندهٔ مبهمِ این نوع از پول‌ها را بپذیریم، تا زمانی که این بازار جذابیت دارد می‌توان از آن به نفع منافع ملی استفاده کرد.

٦. ازآنجاکه خرید شیئی با قیمت نامعقول سبب سفهی‌شدن معامله می‌شود، افراد ناآشنایی که در قیمت‌های زیاد اقدام به خرید رمزارز می‌کنند، سفهی‌بودنِ این قبیل معاملات، بیش‌ازبیش تقویت می‌شود.

۷. امروزه، قبل از خریدوفروش سهام یا رمزارزها، به روانشناسی بازار و همچنین به بررسی داده‌های حاصل از اندیکاتورها توجه می‌شود، به‌طوری‌که از کنار هم قراردادن این پازل‌ها می‌توان سیگنال خرید یا فروش سهم‌های بازار سرمایه یا رمزارزها را مشخص کرد و حداقل ریسک و احتمال ضرر را پذیرفت، پس

قبل از ورود به این نوع بازارها باید به علم این حوزه مسلط شد تا بسیاری از بسترهای سفهی‌شدن معاملات را از بین برد.

منابع

روحانی، صادق. فقه الصادق. قم: دار الکتاب-مدرسهٔ امام صادق(ع). چاپ‌اول، ۱۴۱۲ق.

روحانی، صادق. منهاج الفقاهة. قم: انوار الهدی. چاپ‌پنجم، ١٤٢٩ق.

ابن‌اثیر، مبارک‌بن‌محمد. النهایة فی غریب الحدیث و الاثر. قم: اسماعیلیان. چاپ‌چهارم، ۱۳۶۷.

ابن‌حیون، نعمان‌بن‌محمد. دعائم الإسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضایا و الأحکام. قم: آل‌البیت(ع). چاپ دوم، ۱۳۸۵.

ابن‌منظور، محمدبن‌مکرم. لسان العرب. بیروت: دار الفکر. چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.

اخوان آذر، پیمان. ارزهای دیجیتال بیت کوین بلاک چین و مفاهیم پایه. بی‌جا: وینا-آتی‌نگر. ۱۳۹۸.

اشتهاردی، علی‌پناه. مدارک العروة. تهران: دار الأسوة. چاپ‌اول، ١٤١٧ق.

اصفهانی، محمدحسین. حاشیة کتاب المکاسب. قم: انوار الهدی، اول، ١٣٧٦.

امامی، سیدحسن. حقوق مدنی. تهران: اسلامی. بی‌تا.

انصاری، مرتضی‌بن‌محمدامین. کتاب المکاسب. قم: کنگرهٔ جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری. چاپ‌اول، ١٤١٥ق.

انصاری، مرتضی‌بن‌محمدامین. کتاب المکاسب. قم: مؤسسهٔ مطبوعاتی دار الکتاب. چاپ‌سوم، ١٤١٠ق.

آل کاشف‌الغطاء. محمدحسین. تحریر المجلة. نجف: المکتبة المرتضویة. چاپ‌اول، ۱۳۵۹ق.

بجنوردی، حسن. القواعد الفقهیة. قم: الهادی. چاپ‌اول، ١٤١٩ق.

بحرانی، یوسف . الحدائق الناضرة في أحکام العترة الطاهرة. قم: دفتر انتشارات اسلامی. ۱۴۰۵ق.

جزایری، سیدحمید، محمد ضیاء برهانی. «بررسی آراء فقها در قاعدهٔ لاضرر با تأکید بر دیدگاه حکومتی امام خمینی»، گفتمان فقه حکومتی. س۳، ش۵، پاییز و زمستان۱۳۹۸، ۲۳تا۴۶.

جزایری، محمدجعفر. هدی الطالب الی شرح المکاسب. قم: دار الکتاب. چاپ‌اول، ١٤١٦ق.

جمعی از مؤلفان. مجلهٔ فقه اهل بیت علیهم‌السلام. قم: مؤسسهٔ دائرة المعارف فقه اسلامی. چاپ‌اول، بی‌تا.

جوهری، اسماعیل‌بن‌حمّاد. الصّحاح تاج اللغة و صحاح العربیة. بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۴۰۷ق.

حسینی مراغی، عبد الفتّاح بن علی. العناوین الفقهیة. قم: مؤسسة النشر الاسلامی، چاپ اول، ۲جلد، ١٤١٨ق.

حکیم، محسن. نهج الفقاهة. قم: انتشارات فقه، اول، ۱۳۷۹.

حلی، حسین. بحوث فقهیه. بیروت: دار الزهراء، بی تا.

خردمند، محسن. «بررسی فقهی استخراج و مبادلهٔ رمز ارزها با تمرکز و شبکه بیت کوین»، معرفت اقتصاد اسلامی. س۱۰، ش۲، بهار و تابستان۱۳۹۸، ۱۰۹تا۱۲۴.
خمینی، روح‌الله. الرسائل. تحقیق: مجتبی طهرانی. قم: اسماعیلیان. ۱۳۸۵.
خمینی، روح‌الله. کتاب البیع. بیروت: مؤسسة النشر الإسلامی. چاپ‌پنجم، ۱٤۱٥ق.
خمینی، روح‌الله. کتاب البیع. تهران: مؤسسهٔ تنظیم و نشر آثار امام خمینی(س). چاپ‌اول، ۱٤۲۱ق.
خمینی، روح‌الله. المکاسب المحرمة. قم: موسسهٔ تنظیم و نشر آثار امام خمینی(س). چاپ‌اول، ۱٤۱٥ق.
خمینی، روح‌الله. کتاب البیع. تهران: موسسهٔ تنظیم و نشر آثار امام خمینی(س). چاپ‌چهارم، ۱٤۳٤ق.
خوانساری نجفی، موسی. رسالة فی قاعدة نفی الضرر. تهران: المکتبة المحمدیة. چاپ‌اول، ۱۳۷۳ق.
خویی، ابوالقاسم. المستند فی شرح العروة الوثقی. مقرر: مرتضی بروجردی. بی‌جا: بی‌نا. بی‌تا.
خویی، ابوالقاسم. مصباح الفقاهه: المکاسب. مقرر: محمدعلی توحیدی. بی‌جا: بی‌نا. بی‌تا.
راغب اصفهانی، حسین‌بن‌محمد. مفردات الفاظ القرآن. بیروت: دار القلم. چاپ‌اول، ۱۴۱۲ق.
رشتی، حبیب‌اللهبن‌محمدعلی. کتاب الإجارة. بی‌جا: بی‌نا. چاپ‌اول، ۱۳۱۱ق.
سلیمانی‌پور، محمدمهدی، حامد سلطانی‌نژاد، مهدی پورمطهر. «بررسی فقهی پول مجازی»، دو فصلنامهٔ علمی‌پژوهشی تحقیقات مالی اسلامی. س٦، ش۲، بهار و تابستان۱۳۹٦، ٥٦تا٧٤.
شهید اول، محمد بن مکی. اللمعة الدمشقیة في فقه الإمامیة. بیروت: دارالتراث – الدار الإسلامیة ، اول، ۱٤۱۰ ق.
شهید ثانی، زین الدین‌بن علی. الروضة البهیة في شرح اللمعة الدمشقیة، حاشیه کلانتر. قم: کتابفروشی داوری، اول، ۱٤۱۰ ق.
صاحب‌جواهر. محمدحسن‌بن‌باقر. جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام. بیروت: دار إحیاء التراث العربی. چاپ‌هفتم، ۱٤۰٤ق.
صدر، محمدباقر. اقتصادنا. قم: دفتر تبلیغات اسلامی. چاپ‌اول، ۱۴۱۷ق.
طریحی، فخرالدین‌بن‌محمد. مجمع البحرین. تهران: مرتضوی. چاپ‌سوم، ۱۳۷۵.
عاملی، سید جوادبن محمد. مفتاح الکرامة في شرح قواعد العلاّمة . قم: دفتر انتشارات اسلامی. چاپ جدید، اول، ۱٤۱۹ق.
عراقی، ضیاءالدین، علی کزازی. قاعدهٔ لا ضرر. قم: مؤسسة النشر الإسلامی. چاپ‌اول، ۱٤۱۸ق.
علامه حلّی، حسن بن یوسف. قواعد الأحکام في معرفة الحلال و الحرام. ۳ جلد، قم: دفتر انتشارات اسلامی. اول، ۱٤۱۳ ق.
فاضل مقداد، مقدادبن‌عبدالله. کنز العرفان فی فقه القرآن. قم: مرتضوی. ۱٤۲٥ق.
فراهیدی، خلیل‌بن‌احمد. کتاب العین. قم: هجرت. چاپ‌دوم، ۱۴۰۹ق.

قرشی بنابی، علی‌اکبر. قاموس قرآن. تهران: دار الکتب الاسلامیة. چاپ‌ششم، ۱۴۱۲ق
کاتوزیان، ناصر. اموال و مالکیت. تهران: نشر میزان، ۱۳۸۵.
کرکی، علی‌بن‌حسین. جامع المقاصد. بی‌جا: مؤسسه آل البیت، ۱۴۱۴ق.
ماهنامه شبکه. جویندگان بیت کوین. بی‌جا: ماهنامه شبکه.
مصطفوی، حسن. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. چاپ‌اول، ۱۳٦۸.
مقدس اردبیلی، احمدبن محمد. مجمع الفائده و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان. قم: دفتر انتشارات اسلامی. سوم، ۱۳۷۹.
مقری، احمدبن‌محمد. المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر. قم: دار الهجرة. چاپ‌دوم، ۱۴۱۴ق.
مکارم شیرازی، ناصر. بحوث فقهیة هامة. قم: مدرسۀ امام علی‌بن‌ابی‌طالب. چاپ‌اول، ۱٤۲۲ق.
مکارم شیرازی، ناصر. بررسی طرق فرار از ربا. قم: بی‌نا. چاپ‌اول، بی‌تا.
مکارم شیرازی، ناصر. حیله‌های شرعی و چاره‌جوئی‌های صحیح. قم: انتشارات مدرسۀ امام علی‌بن‌ابی‌طالب(ع). چاپ‌دوم، ۱٤۲۸ق.
موسوی بجنوردی، محمد. قواعد فقهیه. تهران: عروج. چاپ‌سوم، ۱۴۰۱ق.
میرزای قمی. ابوالقاسم‌بن‌محمدحسن. جامع الشتات فی اجوبة السؤالات. تهران: کیهان. چاپ‌اول، ۱٤۱۳ق.
نائینی، محمدحسین. المکاسب و البیع. قم: مؤسسة النشر الإسلامی. چاپ‌اول، ۱٤۱۳ق.
نواب‌پور، علیرضا، احمدعلی یوسفی، محمد طالبی. «تحلیل فقهی کارکردهای پول‌های رمزنگاری‌شده مورد مطالعه بیت کوین»، فصلنامۀ علمی‌پژوهشی اقتصاد اسلامی. س۱۸، ش۷۲، زمستان۱۳۹۷، ۳٤تا۵۹.
هافمن، نیل. بیت کوین به زبان ساده. مترجم: مصطفی دهقان. بی‌جا: داریا. بی‌تا.
یزدی، سید محمدکاظم. العروه الوثقی مع التعلیقات. قم: انتشارات مدرسه امام علی‌بن ابی‌طالب علیه السلام، چاپ اول، ۱٤۲۸ق.

https://www.mehrnews.com/news/5188446

https://khanesarmaye.com/crypto-future/#gref

https://khanesarmaye.com/crypto-future/#gref

https://www.tasnimnews.com/fa/news/1398/06/25/2097333

https://plus.irna.ir/news/84248087

Transliterated Bibliography

Akhavān Āẕar, Piymān. Arz-hā-yi Dījītāl Bitcoin Blockchains va Mafāhīm Pāyih. S.l. Vīnā- Ātīnigar. 2020/1398.

Āl Kāshif al-Ghiṭāʾ. Muḥammad Ḥusayn. *Taḥrīr al-Majala*. Najaf: al-Maktaba al-Murtażawīya. Chāp-i Awwal, 1940/1359.

ʿAllāmah Ḥillī, Ḥasan ibn Yūsuf. *Qawāʾid al-Aḥkām fī Maʿrifa al-Ḥalāl wa al-Ḥarām.* Qum: Daftar-i Intishārāt-i Islāmī. Chāp-i Awwal, 1993/1413.

'Āmulī, Sayyid Javād ibn Muḥammad. *Miftāḥ al-Karāmah fī Sharḥ Qawāʿid ʿAllāma*. Qum: Daftar-i Intishārāt-i Islāmī. Chāp-i Jadīd, Chāp-i Awwal, 1998/1419.

Anṣārī, Murtaḍā ibn Muḥammad Amīn. *Kitāb-i al-Makāsib.* Qum: Kungirah-yi Jahānī Buzurgdāsht Shaykh Aʿẓam Anṣārī. Chāp-i Awwal, 1995/1415.

Anṣārī, Murtaḍā ibn Muḥammad Amīn. *Kitāb-i al-Makāsib.* Qum: Mūʾassisa Maṭbū'ātī Dār al-Kitāb. Chāp-i Sivum, 1990/1410.

Baḥrānī, Yūsuf. *Ḥadāʾiq al-Nāḍira fī Aḥkām al-ʿItra Ṭāḥira*. Qum: Daftar Intishārāt-i Islāmī. 1985/1405.

Bujnūrdī, Ḥasan. *al-Qawāʿid al-Fiqhīyah.* Qum: al-Hādī. Chāp-i Awwal, 1998/1419.

Fāḍil Miqdād, Miqdād ibn ʿAbd Allāh. *Kanz al-ʿIrfān fī Fiqh al-Qurān*. Qum: Murtażawī. 2004/1425.

Farāhīdī, Khalīl ibn Aḥmad. *Kitāb al-'Ayn*. Qum: Hijrat. Chāp-i Duwwum, 1989/1409.

Ḥakīm, Muḥsin. *Nahj al-Faqāha.* Qum: Intishārāt-i Fiqh, Chāp-i Awwal, 2001/1379.

Ḥillī, Ḥusayn. *Buḥūth al-Fiqhīyah.* Beirut: Dār al-Zahrā, s.d.

Hoffman, Neil. *Bitcoin bi Zabān-i Sādih*. *translated by* Muṣṭafā Dihqān. s.l. Dārīyā. s.d.

Ḥusaynī Marāghī, 'Abd al-Fattāḥ ibn ʿAlī. *al-ʿAnāvīn al-Fiqhīya*. Qum: Mūʾassisa al-Nashr al-Islāmī. Chāp-i Awwal, 1997/1418.

Ibn Āthīr, Mubārak ibn Muḥammad. *al-Nihāya fī Gharīb al-Ḥadīth wa al-Athar*. Qum: Ismā'īlīyān. Chāp-i Chāhārum, 1989/1367.

Ibn Ḥīyūn Nuʿmān ibn Muḥammad. *Daʿāʾim al-Islām wa Dhikr al-Ḥalāl wa al-*

Ḥarām wa al-Qaḍāyā wa al-Aḥkām. Qum: Āl al-Bayt(AS). Chāp-i Duwwum, 2007/1385.

Ibn Manẓūr, Muḥammad ibn Mukarram. *Lisān al-ʿArab*. Beirut: Dār al-Fikr. Chāp-i Sivum, 1994/1414.

Imāmī, Sayyid Ḥasan. *Ḥuqūq Madanī.* Tehran: Islāmī. s.d.

ʿIrāqī, *Żī*yāʾ *al-D*īn, ʿAlī, Kazāzī. *Qawāʾid lā Żarar*. Qum: Mūʾassisa al-Nashr al-Islāmī. Chāp-i Awwal, 1997/1418.

Isfahānī, Muḥammad Ḥusayn. *Ḥāshīya Kitāb-i al-Makāsib.* Qum: Anvār al-Hudā. Chāp-i Awwal, 1998/1376.

Ishtihārdī, ʿAlī Panāh. *Madārik al-ʿUrwa*. Tehran: Dār al-Uswah. Chāp-i Awwal, 1996/1417.

Jam'ī az az Muʾalifān. *Majalih-yi Fiqh Āl al-Bayt(AS)*. Qum: Mūʾassisa Dāyra al-Maʿārif Fiqh-i Islāmī. Chāp-i Awwal, s.d.

Jawharī, Ismā'īl ibn Ḥammād. *al-Ṣiḥāḥ Tāj al-Lugha wa Ṣiḥāḥ ʿArabīya*. Beirut: Dār al-'Ilm li-l-Malāyīn, 1987/1407.

Jazāyrī, Muḥammad Ja'far. Hudā *al-Ṭālib ilā Sharḥ al-Makāsib.* Qum: Dār al-Kitāb. Chāp-i Awwal, 1995/1416.

Jazāyrī, Sayyid Ḥamīd, Muḥammad *Ż*īyāʾ *Burh*ānī. "Barrisī Ārāʾ *Fuqah*ā dar Qāʿidih-yi lā *Ż*arar bā Taʾ*k*īd bar Dīdgāh Ḥukumatī Imām Khumaynī", *Guftimān-i Fiqh Ḥukumatī*. Yr. 3, no. 5, autumn and winter 2020/1398, 23-46.

Karakī, ʿAlī ibn Ḥusayn. *Jāmiʿ al-Maqāṣid*. s.l.: Āl al-Bayt. 1994/1414.

Kātūzīyān, Nāṣir. *Amvāl va Mālikīyat*. Tehran: Nashr Mīzān, 2007/1385.

Khiradmand, Muḥsin. "Barrisī Fiqhī Istikhrāj va Mubādilih-yi Ramz Arz-hā bā Tamarkuz va Shabakih Bitcoin", *Maʿrifat Iqtiṣād Islāmī*. yr. 10, no. 2, spring and summer 2020/1398, 109-124.

Khūʾī, Abū al-Qāsim. *al-Mustanad fī Sharḥ al-ʿUrwa al-Wuthqā.* Muqarr Murtaḍā Burūjirdī. s.l. s.n. s.d.

Khūʾī, Abū al-Qāsim. *Miṣbāḥ al-Faqāha: al-Makāsib*. Muqarr Muḥammad ʿAlī

Tawḥīdī. s.l. s.n. s.d.

Khumaynī, Rūḥ Allāḥ. *al-Makāsib al-Muḥarramah.* Qum: Mūʾassisah-yi Tanẓīm va Nashr-i Ā̱sār-i Imām Khumaynī. Chāp-i Awwal, 1995/1415.

Khumaynī, Rūḥ Allāḥ. *al-Rasāʾil.* researched *by* Mujtabā Tihrānī. Qum: Ismā'īlīyān. 2007/1385.

Khumaynī, Rūḥ Allāḥ. *Kitāb-i al-Bayʿ*. Beirut: Mūʾassisa al-Nashr al-Islāmī. Chāp-i Panjum, 1995/1415.

Khumaynī, Rūḥ Allāḥ. *Kitāb-i al-Bayʿ*. Tehran: Mūʾassisah-yi Tanẓīm va Nashr-i Ā̱sār-i Imām Khumaynī. Chāp-i Awwal, 2000/1421.

Khumaynī, Rūḥ Allāḥ. *Kitāb-i al-Bayʿ*. Tehran: Mūʾassisah-yi Tanẓīm va Nashr-i Ā̱sār-i Imām Khumaynī. Chāp-i Chāhārum, 2013/1434.

Khuwānsārī Najafī, Mūsā. *Risālah fī Qāʿidih-yi Naf-yi al-Żarar*. Tehran: al-Maktaba al-Muḥammadīya. Chāp-i Awwal, 1954/1373.

Māhnāmah Shabakih. *Jūyandigān-i Bitcoin*. S.l. Māhnāmah Shabakih.

Makārim Shīrāzī, Nāṣir. *Barrisī Ṭuruq Farār az Ribā*. Qum: s.n. Chāp-i Awwal, s.d.

Makārim Shīrāzī, Nāṣir. *Buḥūth al-Fiqhīyah Hāma.* Qum: Madrisah-yi Imām ʿAlī ibn Abī Ṭālib. Chāp-i Awwal, 2001/1422.

Makārim Shīrāzī, Nāṣir. *Ḥilah-hā-yi Sharʿī va Chārihjūʾī- hā-yi Ṣaḥīḥ*. Qum: Intishārāt-i Madrisah-yi Imām ʿAlī ibn Abī Ṭālib (AS). Chāp-i Duwwum, 2007/1428.

Mīrzā-yi Qumī, Abū al-Qāsim ibn Muḥammad Ḥasan. *Jāmiʿ al-Shitāt fī* Ajvibat al-Suʾālāt. Tehran: Kiyhān. Chāp-i Awwal, 1993/1413.

Muqaddas Ardabīlī, Aḥmad ibn Muḥammad. *Majma' al-Fāʾida wa al-Burhān fī Sharḥ Irshād al-Adhhān*. Qum: Daftar-i Intishārāt-i Islāmī. Chāp-i Sivum, 2001/1379.

Muqrī, Aḥmad ibn Muḥammad. *al-Miṣbāḥ al-Munīr fī Gharīb al-Sharḥ al-Kabīr*. Qum: Dār al-Hijrah, Chāp-i Duwwum, 1994/1414.

Musawī Bujnūrdī, Muḥammad. *Qawāʿid al-Fiqhīyah.* Tehran: Urūj. Chāp-i Sivum, 1981/1401.

Muṣṭafavī, Ḥasan. *Al-Taḥqīq fī Kalamāt al-Qurān al-Karīm*. Tehran: Vizārat Farhang va Irshād-i Islāmī. Chāp-i Awwal, 1990/1368.

Nāʾīnī, Muḥammad Ḥusayn. *al-Makāsib wa al-Bayʿ.* Qum: Mūʾassisa al-Nashr al-Islāmī. Chāp-i Awwal, 1993/1413.

Navābpūr, ʻAlī Riżā, Aḥmad_ʻAlī Yūsufī, Muḥammad Ṭālibī. "Tahlīl-i Fiqhī Kārkird-hā-yi Pūl-hā-yi Ramznigārī Shudih Murid Muṭāliʻih Bitcoin". *Faṣlnāmih-yi ʻIlmī Pazhūhīsh Iqtiṣādī Islāmī.* yr. 18, no. 72, winter 2019/1397, 34-59.

Qurashī Bunābī, ʻAlī Akbar. *Qāmūs Qurān*. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyya. Chāp-i Shishum, 1992/1412.

Rāghib Iṣfahānī, Ḥusayn ibn Muḥammad. *Mufradāt Alfāẓ Qurān*. Beirut: Dār al-Qalam. . Chāp-i Awwal, 1992/1412.

Rashtī, Ḥabīb Allāh ibn Muḥammad ʻAlī. *Kitāb-i al-Ijārah.* S.l. s.n. Chāp-i Awwal,1893/1311.

Rūḥānī, Ṣādiq. *Fiqh al-Ṣādiq.* Qum: Dār al-Kitāb- Madrisah-yi Imām Ṣādiq (AS). Chāp-i Awwal, 1992/1412.

Rūḥānī, Ṣādiq. *Minhāj al-Faqāha.* Qum: Anvār al-Hudā. Chāp-i Panjum, 2008/1429.

Ṣadr, Muḥammad Bāqir. Iqtiṣādanā. Daftar-i Tablīghāt-i Islāmī. Chāp-i Awwal, 1996/1417.

Ṣāḥib Jawāhir. Muḥammad Ḥasan ibn Bāqir. *Jawāhir al-Kalām fī Sharḥ Sharāyʿ al-Islām*. Beirut: Dār Iḥyāʾ al-Tūrāth al-ʻArabī. Chāp-i Sivum, 1984/1404.

Shahīd Awwal, Muḥammad ibn Makkī. *al-Lumʿa al-Dimashqīya fī Fiqh al-Imāmīya.* Beirut: Dār al-Turāth-*al-Isl*āmīya, Chāp-i Awwal, 1990/1410.

Shahīd Thānī, Zayn al-Dīn ibn ʿAlī. *al-Rawḍa al-Bahīya fī Sharḥ al-Lumʿah al-Dimashqīyah*, Ḥāshīyih Kalāntar. Qum: Kitābfurūshī, *D*āwarī, Chāp-i Awwal, 1990/1410.

Suliymānī, Muḥammad Mahdī, Ḥāmid Sulṭānīnizhād, Mahdī Pūr Muṭahar. "Barrisī Fiqhī Pūl Majāzī", *Dū Faṣlnāmih-yi 'Ilmī Pazhūhīsh Taḥqīqāt Mālī Islāmī.* yr. 6, no. 2, spring and summer 2018/1396, 56-74.

Ṭurayḥī, Fakhr al-Dīn ibn Muḥammad. *Majmaʿ al-Baḥrayn.* Tehran: Murtażavī. Chāp-i Sivum, 1997/1375.

Yazdī, Sayyid Muḥammad Kāẓim. *al-ʿUrwa al-Wuthqā maʿa al-Taʿlīqāt*. Qum: Intishārāt-i Madrisah-yi Imām ʿAlī ibn Abī Ṭālib (AS), Chāp-i Awwal, 2007/1428.